



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

## حکم تجسس اطلاعاتی برای حفظ نظام اسلامی براساس اصول احکام ثانویه

عباس نوری<sup>۱</sup>، پریسا گل زاده<sup>۲</sup>، احمد فیاض نیک<sup>۳</sup>

۱- سطح چهار (دکتری) حوزه علمیه قم

۲- سطح دو (کارشناسی) حوزه علمیه خراسان

۳- سطح سه (ارشد) حوزه علمیه قم

### چکیده

تجسس به معنی جستجو و کسب اخبار امری است که حکم آن در حوزه اخلاق با حکم آن در حوزه مسائل حکومتی تفاوت دارد. پژوهش حاضر که با استفاده از داده های کتابخانه ای و به شیوه توصیفی تحلیلی انجام گرفته است به این سؤال پاسخ داده است که حکم تجسس اطلاعاتی برای حفظ نظام اسلامی براساس اصول احکام ثانویه چیست؟ یافته های پژوهش نشان داد که تجسس به حکم اولی حرام است مخصوصاً در حوزه مسائل بین فردی، اما به حکم ثانوی و برای حفظ نظام اسلامی، در برخی موارد جایز و بلکه واجب می شود؛ مشروط به آنکه در موارد خاص با حکم حاکم شرع و تنها به میزانی که ضرورت دارد انجام شود.

### مقدمه

عملیات های اطلاعاتی بر سلسله وظایفی استوار است که مستلزم جمع آوری اخبار و فعالیت های اطلاعاتی همچون نفوذ، پوشش های اعتمادسازی، شنود، خبریابی، دستگیری، بازداشت، بازرسی، بازجویی و مصاحبه اطلاعاتی است که همه از مصادیق تجسس به شمار می آیند. بنابراین قبل از آنکه احکام این عملیات های اطلاعاتی بررسی شوند، باید حکم کلی تجسس بررسی شود.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تجسس از ریشه «جسس» بوده و معنای ریشه‌ای آن شناختن چیزی از طریق حس لطیف (نامحسوس) است.<sup>۱</sup> تجسس در لغت به معنای جست‌وجو کردن،<sup>۲</sup> به دنبال دریافتن نهان امور بودن،<sup>۳</sup> در پی کسب خبر برآمدن<sup>۴</sup> و کسب اطلاعات کردن و مانند آن است. این واژه در قرآن به صورت نهی آمده است؛ «لَا تَجَسَّسُوا». در معنی این آیه گفته اند: آنچه ظاهر است را نگیرید و در پی آنچه پنهان است، نروید.<sup>۵</sup> جاسوس نیز به معنای کسی است که در پی کسب خبر و دریافتن باطن و نهان امور برمی‌آید.<sup>۶</sup>

تجسس در اصطلاح اطلاعاتی و امنیتی عبارت است از «اقدامات جاسوسی و کسب اخبار و اطلاعات از منابع دولتی، جاسوسی اطلاعاتی و امنیتی با استفاده از سیستم‌های شنود و عوامل انسانی.»<sup>۷</sup> در این تعریف، تجسس به معنای جاسوسی آمده است که خود در اصطلاح، جمع‌آوری پنهانی و غیر قانونی اخبار و اطلاعات و ارائه آن به افراد غیر مجاز و به عبارت دیگر تحویل اسرار و اخبار یک سازمان یا یک کشور به سازمان یا کشور دیگر بدون مجوز است.

با توجه به اینکه تجسس به حکم اولی در قرآن نهی شده است و از سوی دیگر لازمه بسیاری از اقدامات برای حفظ اسلامی وابسته به اشکالی از تجسس است، لازم است که این حکم با توجه به اصول احکام ثانویه نیز بررسی شود.

## ۱- حکم فقهی اولی تجسس

به طور کلی اصل اولی در تجسس، بدون در نظر گرفتن مسائل حکومتی و نظام اسلامی، حرمت است و دلایل عقلی و نقلی بر آن دلالت دارند.

الف) دلیل عقلی: اصل عدم ولایت

همه انسان‌ها، به حسب طبیعت و فطرت، آزاد آفریده شده‌اند. بنابراین، هیچ انسانی، به مقتضای شرع و عقل، تابع انسان دیگر و تحت قیمومت و ولایت همنوع خود نیست. هر انسانی مسلط بر اموال و شئون خود بوده و هیچ کس حق تصرف و دخالت در شئون و اموال دیگری را ندارد. حضرت علی (ع) با عنایت به مطلب فوق می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أحرارٌ وَ لَكِنَّ اللَّهَ خَوْلَ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»<sup>۸</sup> ای مردم، همانا انسان، بنده و کنیز متولد نشده است. انسان‌ها همه آزاد خلق

۱. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، ج ۱، ص ۴۱۴.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۸.

۳. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۵۷.

۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، ج ۳، ص ۹۱۳.

۵. حسینی زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۲۲۶.

۶. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۷. خرازی، سید محسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، ص ۵۲.

۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۶۹.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

شده‌اند، اما خداوند، بعضی از شما را بر بعضی دیگر برتری داده است.» و از آنجا که مراقبت از دیگران و تجسس در امور آنان نوعی تصرف در شئون آنان به شمار می‌رود، جست‌وجو در امور دیگران جایز نیست.

(ب) دلایل نقلی: قرآن و سنت

اسلام با صراحت، مردم را از تجسس در امور یکدیگر برحذر داشته و آن را حرام کرده است. قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا... و لا تجسسوا!»<sup>۹</sup> ای کسانی که ایمان آورده‌اید... و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید.

روایاتی که در مذمت و حرمت تجسس در اسرار و عیوب و لغزش‌های پنهانی دیگران وارد شده نیز بسیار است. عبدالله بن ابی‌یعفور در خصوص نشانه عدالت برای قبول کردن شهادت افراد، از امام صادق (ع) می‌پرسد و ایشان می‌فرماید: «و الدلالة علی ذلك کله ان یكون ساتراً لجمیع عیوبه حتی یحرم علی المسلمین ما وراء ذلك من عثراته و عیوبه و تفتیش ما وراء ذلك و یجب علیهم تزکیته و إظهار عدالته فی الناس»<sup>۱۰</sup> علامت همه اینها این است که همه عیب‌هایش را بیوشاند تا آنجا که بر مسلمانان تفتیش و جست‌وجوی لغزش‌ها و عیب‌های پنهانی‌اش حرام شود، و لازم گردد که به پاکی او حکم کرده، عدالت او را در میان مردم اظهار نمایند.» در این روایت، به صراحت، تجسس از لغزش‌ها و عیوب پنهانی مسلمانان حرام دانسته شده است. البته این روایت حرمت تفتیش را در جایی می‌داند که شخص، عیوبش را مخفی بدارد، در غیر این صورت، حکم حرمت نیز منتفی خواهد بود.<sup>۱۱</sup>

در روایتی دیگر اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) روایت می‌کند که ایشان می‌فرماید: «قال رسول الله (ص) یا معشر من أسلم بلسانه و لم یخلص الایمان إلی قلبه لا تدموا المسلمین و لا تتبعوا عوراتهم فإنه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته و من تتبع الله تعالی عورته یفضحه و لو فی بینه»<sup>۱۲</sup> رسول خدا (ص) فرمود: ای گروهی که با زبان مسلمان شده و ایمان به قلبش راه نیافته، مسلمانان را سرزنش نکنید و در پی آگاهی از اسرارشان برنیایید، زیرا هر کس از اسرار آنان تجسس کند، خدای متعال اسرارش را دنبال کند و هر کس خدای متعال اسرارش را دنبال کند، آبرویش را می‌برد، هرچند در خانه خود باشد.»

این حدیث با اطلاق که دارد (عبارت «لا تتبعوا عوراتهم»)، بر حرمت جستجوی عیب‌ها دلالت دارد.<sup>۱۳</sup> روایت دیگری نیز به همین مضمون نقل شده است که در آن عبارت «لا تطلبوا عثرات المؤمنین» آمده است و آن نیز بر حرمت دلالت دارد.<sup>۱۴</sup>

۹. حجرات، ۱۲.

۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸.

۱۱. خرازی، سیدمحسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، ص ۶۰.

۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴.

۱۳. خرازی، سیدمحسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، ص ۶۱.

۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۵.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

امام علی (ع) نیز در نامه به مالک اشتر می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ أَبْعَدَ رَعِيَّتِكَ مِنْكَ وَأَشْنَأَهُمْ عِنْدَكَ أَطْلُبُهُمْ لِمَعَايِبِ النَّاسِ فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا أَلْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ تَطْهِيرُ مَا ظَهَرَ لَكَ وَاللَّهُ يَحْكُمُ عَلَى مَا غَابَ عَنْكَ فَاسْتَرِ الْعَوْرَةَ مَا اسْتَطَعْتَ يَسْتُرِ اللَّهُ مِنْكَ مَا تُحِبُّ سِتْرَهُ مِنْ رَعِيَّتِكَ»<sup>۱۵</sup> از رعیت، آنان را که عیب جوترند از خود دور کن، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس مبدا آنچه بر تو پنهان است آشکار گردانی، و آنچه که هویداست بیوشانی، که داوری در آنچه از تو پنهان است با خدای جهان می‌باشد، پس چندان که می‌توانی زشتی‌ها را بیوشان، تا آن را که دوست داری بر رعیت پوشیده ماند خدا بر تو بیوشاند.»

در این روایت، حضرت علی(ع) مالک اشتر را به عنوان یک والی و حاکم اسلامی از جست‌وجو و تجسس در عیوب پنهانی رعیت نهی می‌کند، و نهی «لا تکشفنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا» هم بر حرمت دلالت دارد.<sup>۱۶</sup>

ادله یادشده هم به لحاظ مخاطب، یعنی افرادی که از تجسس نهی می‌شوند و هم به لحاظ موردی که تجسس می‌کنند، مطلق است. بدین معنا که مخاطب نهی از تجسس در آیه و روایات همه‌ی مسلمانانند، بدون اینکه ویژگی‌ای باعث تفاوت در حکم حرمت شود. بنابراین به عنوان حکم اولی حرمت تجسس هم مردم و هم عوامل حکومت را شامل می‌شود.

بنابر آنچه تا اینجا گذشت، طبق حکم و اصل اولی، تجسس از امور شخصی مردم مسلمان، هم بر مردم مسلمان و هم بر حکومت اسلامی حرام است. از سوی دیگر نیز تجسس در امور شخصی کارگزاران و کارکنان حکومت، همچون تجسس در امور شخصی مردم، حرام است. کافرانی که در ذمه حکومت اسلامی زندگی می‌کنند نیز مشمول این خطاب و این حکم‌اند، یعنی نه اهل ذمه حق تجسس از اسرار مسلمانان را دارند و نه مسلمانان حق تجسس از اسرار آنان را، زیرا با انعقاد قرارداد ذمه، اهل ذمه متعهد می‌شوند که از انجام برخی کارها از جمله تجسس در امور مسلمانان و ارتکاب علنی محرمات، هرچند از نظر خودشان جایز باشد، امتناع ورزند؛<sup>۱۷</sup> در برابر، جان، مال و عرض آنان محترم است و مسلمانان حق تعرض به آنها از جمله تجسس از اسرار آنان را ندارند، هرچند در نهان مرتکب اعمالی شوند که از نظر اسلام حرام است.<sup>۱۸</sup>

## ۲- حکم فقهی ثانوی تجسس

گرچه طبق آیات و روایات، چنانکه گذشت، اصل بر عدم جواز تجسس است که با عقل نیز سازگار است، اما اگر امر مهمی به وجود آید که حفظ آن بدون تجسس ممکن نباشد، بر اساس اصل «لَا هُمْ إِلَّا لَهُمْ» و نیز از باب تراحم اهم و مهم می‌توان در حد

۱۵. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۱۶. خرازی، سیدمحسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، ص ۶۲.

۱۷. نجفی، محمدحسن. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۱، ص ۲۶۸.

۱۸. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۳۲۳.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ضرورت، حکم به جواز تجسس داد. البته پر واضح است که تشخیص موارد اهمّ مقدماتی لازم دارد و وظیفه مجتهد و مرجع است که آن را روشن کند و در اختیار مقلدان خود قرار دهد، مگر در مواردی که حکم مورد ابتلا جزو بدیهیات عقلی بوده و احتیاج به برهان و استدلال نداشته باشد.<sup>۱۹</sup>

یکی از آن امور مهم، حفظ و صیانت از حکومت اسلامی و نهادهای آن است که از آن به قاعده حفظ نظام یاد می‌کنند. حفظ نظام چه به معنای حفظ و نگهداری کیان و نظام اسلامی و جلوگیری از خدشه‌دار شدن آن به وسیله دشمنان داخلی و خارجی و چه به معنای حفظ نظم و برقراری انضباط در جامعه اسلامی، به دلایل عقلی و نقلی واجب است.<sup>۲۰</sup> و این امر در برخی موارد نیازمند تجسس، مراقبت و کنترل است، زیرا بدون تدابیر و تمهیدات لازم نمی‌توان از آن در برابر دشمنان حفاظت نمود.

بر این اساس در صورتی که حکم اولی تجسس، یعنی حرمت، با حکم اولی اهمی، مانند حفظ نظام، تراحم پیدا کند، یا عنوان ثانوی مانند ضرورت عارض گردد، حرمت تجسس از فعلیت می‌افتد و تجسس در حد ضرورت جایز است.<sup>۲۱</sup>

شقوق و مسأله‌های مختلفی بر این حکم ثانوی مبتنی هستند، که عبارتند از:

## الف) تجسس مردم و حکومت و عوامل آن در امور شخصی مردم

تجسس مردم و حکومت و عوامل آن در امور شخصی مردم در صورت تراحم با حکم اولی اهم یا عارض شدن عنوان ثانوی، آن هم در حد ضرورت، جایز است. بنابر این، تحقیق از افرادی که می‌خواهند در نهادهای انقلابی داخل شوند، تا تحصیل اطمینان به صلاحیت شخص برای خدمت در نهادهای انقلاب مشمول آیه شریفه «وَلَا تَجَسَّسُوا» نیست.<sup>۲۲</sup>

## ب) تجسس حکومت در امور کارگزاران و کارکنان خود

تجسس حکومت در امور کارگزاران و کارکنان خود اگر مربوط به امور سازمانی آنان می‌شود، به حکم عقل و نقل جایز است. حکم عقل همان حکم به وجوب حفظ نظام است که حفاظت از آن در سطح خرد شامل پرسنل و کارکنان حکومت اسلامی می‌شود، که این امر با مراقبت از آنان و زیر نظر داشتن و کنترل آنان در امور اداری و سازمانی میسر است. در نتیجه مراقبت از کارگزاران و کارکنان و زیر نظر داشتن و کنترل آنان در امور اداری و سازمانی واجب است. شاید بتوان گفت حکم عقل همان بحث تراحم است که گرچه تجسس به حکم اولی حرام است، اما به دلیل وجود مصلحت اهم، یعنی حفظ نظام، حرمت از فعلیت افتاده و تجسس جایز می‌شود.

۱۹. احمدی میانجی، علی، لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی، ص ۱۴۷-۱۴۸.

۲۰. کلانتری، علی‌اکبر، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، ص ۲۱۱.

۲۱. خرازی، سیدمحسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، ص ۶۶.

۲۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله، استفتائات، ج ۲، ص ۶۲۳.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

علاوه بر این روایات نیز بر لزوم مراقبت از کارگزاران و کارکنان دلالت دارند. از جمله رسول خدا(ص) در فرمانی به حضرت علی(ع) در ضمن آنچه برای والی شایسته و بایسته است که درباره لشکریانش رعایت کند، می‌فرماید: «ثُمَّ لَا تَدْعُ مَعَ ذَلِكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ عَلَيْهِمْ عِيُونَ مِنْ أَهْلِ الْأَمَانَةِ وَالصِّدْقِ يَحْضُرُونَهُمْ عِنْدَ الْإِقَاءِ وَيَكْتُبُونَ بَلَاءَ كُلِّ مِنْهُمْ حَتَّى كَأَنَّكَ شَهِدْتَهُ؛<sup>۲۳</sup> سپس با این همه از گماردن مراقبان و چشمانی- از اهل امانت و راستی- بر آنان [لشکریان] غافل نشو که هنگام رویارویی با دشمن، در کنار آنان حضور یابند و رشادت‌های هر یک را به ثبت رسانند؛ به طوری که گویا تو خود شاهد کارهایشان هستی.»

امام علی(ع) خود نیز در ضمن فرمان به مالک اشتر می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِمُؤَرِّهِمْ حَدُوءٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَةِ؛<sup>۲۴</sup> سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفا پیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود.»

نهی «لا تدع» در روایت نخست بر حرمت ترک گماردن و امر «وابعث العیون» در روایت دوم بر وجوب گماردن جاسوس و مراقب پنهانی بر نیروهای مسلح دلالت دارند.

سیره معصومان (ع) نیز نشان از گماردن جاسوس و مأمور پنهانی برای مراقبت از کارگزاران دارد. از جمله ریان بن صلت می‌گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که می‌فرماید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِذَا بَعَثَ جَيْشًا فَاتَّهَمَ أَمِيرًا بَعَثَ مَعَهُ مِنْ ثِقَاتِهِ مَنْ يَتَجَسَّسُ لَهُ خَبْرَهُ؛<sup>۲۵</sup> رسول خدا(ص) هرگاه لشکری را به مأموریت می‌فرستاد و به فرمانده اطمینان کامل نداشت، کسی از معتمدان خویش را با او می‌فرستاد تا اخبار وی را پنهانی به او گزارش دهد.»

توبیخ‌ها و تهدیدهایی که حضرت علی(ع) متوجه کارگزاران خود می‌کند، حاکی از وجود خبررسانی از سوی جاسوسان آن حضرت است. از جمله آن حضرت به یکی از کارگزارانش می‌نویسد: «أَمَا بَعْدُ فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبِّكَ وَعَصَيْتَ إِمَامَكَ وَ أَخْزَيْتَ أَمَانَتَكَ بَلَغَنِي...؛<sup>۲۶</sup> از تو خبری رسیده است که اگر چنان کرده باشی، پروردگار خود را به خشم آورده، و امام خود را نا فرمانی، و در امانت خود خیانت کرده‌ای؛ به من خبر رسیده...»

موارد یادشده دست کم بر جواز مراقبت و تجسس از کارگزاران و عملکرد آنان دلالت دارند. اما اگر تجسس حکومت در امور کارگزاران و کارکنان خود مربوط به امور شخصی آنان می‌شود، چنانکه در حکم اولی تجسس گذشت، تجسس جایز نیست. بنابراین گرچه مبادرت به امر بررسی و تحقیق قانونی نسبت به کار اداری کارمندان و غیر آنان توسط مأموران رسمی تفحص و

۲۳. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲۴. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۶۰.

۲۶. نهج البلاغه، نامه ۴۰.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

تحقیق در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی اشکال ندارد، ولی تجسس در کار دیگران و یا تحقیق در اعمال و رفتار کارمندان برای کشف اسرار آنان در خارج از حدود و ضوابط قانونی برای آن مأموران هم جایز نیست.<sup>۲۷</sup> البته در این خصوص نیز اگر تجسس با حکم اولی‌الاهمی تزامم پیدا کند یا عنوانی ثانوی مانند ضرورت، پیش‌آید، در این صورت حرمت از فعلیت می‌افتد و جواز جایگزین آن می‌شود و تنها به اندازه‌ای که مصلحت اهم احراز گردد یا ضرورت رفع شود، می‌توان در امور شخصی کارگزاران و کارکنان تجسس کرد.

## ج) تجسس حکومت درباره فعالیت‌های مخالفان داخلی

بنا به دلایل عقلی و نقلی تجسس حکومت درباره فعالیت‌های پنهانی افراد و گروه‌های مخالف نظام اسلامی جایز بلکه واجب است. حفظ نظام در گرو خنثی کردن توطئه‌های افراد و گروه‌های مخالف آن است که این امر مستلزم زیرنظر داشتن آنان و تجسس از اخبار و تصمیمات پنهانی آنان علیه نظام اسلامی است. بنابراین، از نظر عقل، تجسس درباره فعالیت‌های پنهانی افراد و گروه‌های مخالف نظام اسلامی واجب است.<sup>۲۸</sup>

در قرآن کریم نیز خداوند متعال در خصوص منافقان به پیامبر اکرم (ص) هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرُوهُمْ؛ آنها دشمنان واقعی تو هستند، پس از آنان بر حذر باش.»<sup>۲۹</sup> این آیه دربردارنده دو مطلب کلی است؛ نخست وجوب احتیاط و مراقبت دائم از منافقان است. حذر به معنای دوری کردن و احتیاط از امری خطرناک است.<sup>۳۰</sup> اطلاق و کاربرد بدون قید حذر از منافقان، تجسس از فعالیت‌ها و تصمیمات پنهانی آنان را شامل می‌شود و چه بسا تجسس از بارزترین راه‌های دوری کردن از امر خطرناک باشد.<sup>۳۱</sup> از این رو، امر «فَاحْذَرُوهُمْ» بر وجوب تجسس درباره منافقان که از مخالفان داخلی نظام اسلامی به شمار می‌آیند، دلالت دارد. دوم بیان ملاک وجوب دوری از منافقان است. عبارت «هُمُ الْعَدُوُّ» می‌رساند که ملاک وجوب دوری از منافقان، دشمن بودن آنان برای نظام اسلامی و مسلمانان است. از این رو، همه افراد و گروه‌هایی را که با نظام اسلامی ضدیت و دشمنی دارند، دربرمی‌گیرد.

در سیره امام علی (ع) نیز آمده است پس از پایان جنگ صفین، خربیت بن راشد ناجی و سی‌تن از یارانش که در این جنگ همراه حضرت بودند، سر از فرمان آن حضرت برتافته، متواری شدند. آن حضرت در نامه‌ای به کارگزارانش در شهرهای مختلف این‌گونه نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى مَنْ قَرَأَ كِتَابِي هَذَا مِنَ الْعَمَالِ، أَمَا بَعْدُ، فَإِنَّ رَجُلًا لَنَا عِنْدَهُمْ بَيْعَةٌ خَرَجُوا هَرَابًا فَنَظَنَّهُمْ وَجَّهُوا نَحْوَ بِلَادِ الْبَصْرَةِ فَاسْأَلْ عَنْهُمْ أَهْلَ بِلَادِكَ وَاجْعَلْ عَلَيْهِمُ الْعُيُونَ فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ مِنْ

۲۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، أجوبة الاستفتاءات، س ۱۳۹۳.

۲۸. منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، ج ۲، ص ۵۶۷.

۲۹. منافقون، ۴.

۳۰. مصطفوی، سیدحسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۸۲.

۳۱. منتظری نجف‌آبادی، حسین‌علی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، ج ۲، ص ۵۶۸.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

أَرْضِكَ ثُمَّ اَكْتُبْ اِلَيَّ بِمَا يَنْتَهِي اِلَيْكَ عَنْهُمْ، وَ السَّلَامُ؛ به نام خداوند رحمت‌گر مهربان، از بنده خدا علی امیر مؤمنان به هر کارگزاری که این نامه‌ام را می‌خواند، اما بعد، گروهی از مردم که با ما بیعت کرده‌اند، فرار کرده‌اند و به گمان ما رهسپار بصره شده‌اند. از ساکنان شهر خویش از آنان سؤال کن و در هر ناحیه از سرزمینت جاسوسانی بر آنان بگمار، آنگاه هر خبری از آنان به دست آوردی، برای من بنویس. خدا نگهدار.<sup>۳۲</sup> از این دلیل استفاده می‌شود که سیره حکومتی حضرت علی(ع) بر تجسس از دشمنان داخلی نظام اسلامی بوده است.

نکته قابل توجه اینکه گستره جواز تجسس از افراد و گروه‌های مخالف نظام اسلامی، عبارت از کشف اخبار سری و توطئه‌های آنها است. از این رو، تجسس در امور شخصی این‌گونه افراد نیز همچون آحاد مردم به حکم اولی جایز نیست، زیرا ادله‌ای که پیش‌تر در حرمت تجسس حکومت در امور شخصی مردم و نیز کارگزاران و کارمندان اقامه شد، این افراد را نیز دربرمی‌گیرد، مگر اینکه این افراد خانه و محل زندگی خود را محل توطئه قرار داده باشند یا عنوان ثانوی مانند ضرورت پیش‌آید، که در این صورت تجسس در امور شخصی آنها به مقدار رفع ضرورت جایز است.

## د) تجسس حکومت درباره دشمن بیگانه

تجسس حکومت درباره دشمن خواه در مسائل نظامی (مانند تعداد نفرات، تجهیزات و تسلیحات) یا غیر نظامی (اعم از اقتصادی و سیاسی، امنیتی، اجتماعی و فرهنگی)، جایز بلکه واجب است. نخستین دلیل حکم عقل به وجوب حفظ نظام اسلامی و دفاع از آن است که مستلزم در اختیار داشتن اطلاعات صحیح و همه‌جانبه از دشمن و شناخت نقاط قوت و ضعف و آسیب‌پذیر او در همه زمینه‌ها است و این مهم با تجسس به دست می‌آید.

همچنین بر اساس مفاد آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ؛ و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید»<sup>۳۳</sup> بر مسلمانان واجب است که به قدر استطاعت و توانایی خود برای ترساندن دشمنان خدا و دشمنان خود قوه و نیرو آماده کنند. واژه قوه هر نوع نیرو و توان را شامل می‌شود که توان اطلاعاتی یکی از مصادیق آن است. از این رو، مسلمانان موظف‌اند به اندازه استطاعت خویش از دشمن اطلاعات داشته باشند و از مهم‌ترین راه‌های کسب اطلاعات از دشمن تجسس است.

سومین دلیل، سیره مستمر رسول خدا(ص) در برابر دشمنان به ویژه در نبرد با آنان در کسب اخبار و اطلاعات از طریق تجسس است. اخبار و روایات فراوانی حاکی از این سیره است، از جمله در جنگ خندق رسول خدا(ص) پس از خبر یافتن از اختلاف نظر و تفرقه‌ای که میان احزاب روی داد، حَذِيفَةُ بن يَمَان را برای بررسی وضعیت دشمن و کسب اخبار به میان آنان فرستاد.<sup>۳۴</sup>

۳۲. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ص ۳۳۷.

۳۳. انفال، ۶۰.

۳۴. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۴۰۰.





# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

هرچند بخشی از این ادله به ویژه سیره، مربوط به تجسس در مسائل نظامی و رزمی دشمن است، اما از آنجا که مسائل نظامی و رزمی خصوصیتی ندارند و تنها به لحاظ شرایط جنگی پس از هجرت رسول خدا(ص) تجسس در این مسائل موضوعیت داشته است، می‌توان به این سیره بر جواز مطلق تجسس از دشمن استدلال کرد.

## نتیجه‌گیری

تجسس از نظر اخلاقی امری مذموم و از گناهان بزرگی است که در قرآن کریم مورد نهی قرار گرفته است. اما این نهی به حکم اولی و مربوط به روابط بین فردی است و در مواردی که لازمه حفظ نظام اسلامی برخی از شقوق تجسس باشد به حکم ثانوی جایز و بلکه واجب می‌شود. اما این امر نیز قیود و شرایطی دارد که باید رعایت شود و تنها در موارد ضروری و به حکم حاکم شرع و به همان میزانی که ضرورت دارد انجام شود. در این شرایط تجسس از مخالفان داخلی و خارجی نظام اسلامی به قصد شناخت توطئه‌های آنان و همچنین تجسس از کارگزاران نظام به قصد جلوگیری از انحراف آنان جایز است.



# ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۹.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، نشر مشهور، ۱۳۷۹.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
  ۲. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
  ۳. ابن حیون مغربی، نعمان بن محمد، دعائم الإسلام، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت: (ع)، ۱۳۸۵ق.
  ۴. ابن فارس، احمد، معجم مقائیس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
  ۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق.
  ۶. احمدی میانجی، علی، لزوم وزارت اطلاعات در حکومت اسلامی، قم، دفتر نشر برگزیده، ۱۳۷۴.
  ۷. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الفارات، با تعلیقات میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۹۵ق.
  ۸. جوهری فارابی، اسماعیل بن حماد، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۴۰۴ق.
  ۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، أجوبة الإستفتاءات، قم، زمزم هدایت، ۱۳۹۲.
  ۱۰. حسینی زبیدی واسطی، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی شیری، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
  ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی التحصیل مسایل الشریعة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
  ۱۲. حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۴ق.
  ۱۳. خرازی، سیدمحسن، «کاوشی در حکم فقهی تجسس»، فصلنامه فقه اهل بیت علیم السلام، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۰، ص ۵۲-۱۴۲.
  ۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین و مطلع النیرین، قم، نشر مرتضوی، ۱۳۷۵.
  ۱۵. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، دارالهجرة، ۱۴۱۴ق.
  ۱۶. کلانتری، علی اکبر، حکم ثانوی در تشریح اسلامی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
  ۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب اسلامیة، ۱۴۰۷ق.
  ۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
  ۱۹. منتظری نجفآبادی، حسین علی، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، قم، نشر تفکر، ۱۴۰۹ق.
  ۲۰. موسوی خمینی، سید روح الله، استفتاءات، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۲ق.
  ۲۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تحقیق عباس قوچانی و علی آخوندی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی تا.